

بسم الله الرحمن الرحيم

سر مقاله

بیسوادی، یک معضل بین‌المللی

آخرین دهه قرن بیستم زمانی آغاز می‌شود که طبق آخرین آمار و اطلاعات منتشره توسط سازمانها و مراجع بین‌المللی، قریب ۱۰۰ میلیون نفر از کودکان لازم‌التعلیم دنیا از دستیابی به فرصتهای آموزشی محروم می‌باشند. به علاوه حدود ۱ میلیارد نفر از جمعیت بزرگسال جهان از نعمت سواد (خواندن و نوشتن) بسی بهره‌مند نیستند. ترسیم تصویر کامل دنیا از حیث سواد، زمانی کامل می‌شود که اضافه نمائیم قریب ۱/۳ جمعیت بزرگسال دنیا نیز که از نعمت خواندن و نوشتن برخوردار هستند، از آشنائی با مهارتهای عملی و حرفه‌ای که می‌تواند در بهبود کیفیت زندگی آنها مؤثر باشد، بی‌بهره‌اند.

رقمی معادل ۳۰ میلیون نفر از این دسته که اصطلاحاً به عنوان افرادی که فاقد سواد کاربردی^۱ می‌باشند، شناخته شده‌اند که تنها در کشور ایالات متحد آمریکا بسر می‌برند که خود پیمانگر این واقعیت است که عدم برخورداری از آموزش و پرورش پایه‌معضلی است که با در هم نوردیدن مرزهای جغرافیایی گریبان اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان، به ویژه کشورهای جهان سوم، را گرفته است.

مطابق آمار منتشر شده توسط یونسکو در سال ۱۹۸۵، قریب ۲/۳ از مجموع یک میلیارد جمعیت بی‌سواد کسره زمین در ۹ کشور متمرکز می‌باشند که در میان آنها فنش کشور آسیایی (هندوستان، چین، پاکستان، بنگلادش، اندونزی و ایران) دو کشور آفریقائی (نیجریه و

مصر) و یک کشور آمریکای جنوبی (برزیل) به چشم می‌خورند. چنانچه ملاحظه می‌شود جمهوری اسلامی ایران نیز در زمره ۹ کشور یاد شده قرار دارد. طبق آمار موجود، علیرغم اینکه تلائهای گسترده‌ای در زمینه مبارزه با بیسوادی در کشور صورت گرفته و درصد با سوادان از ۲۷/۵ در سال ۱۳۵۷ به ۶۸ درصد ۱۳۶۵ افزایش یافته است، لیکن به واسطه وجود عوامل متعددی همچون رشد بی‌رویه جمعیت، رقم بیسوادان کشور از ۱۴ میلیون نفر به ۱۴/۸ میلیون نفر افزایش یافته است. وجود این تعداد بیسواد در کشوری پرخوردار از استقلال و آزادی که روزگاری مهد علم و تمدن بشری بوده و پیرو مکتبی است که کسب علم و دانش را برای آحاد مردم فریضه میدانند، پدیده‌ای است تحمل‌ناکردنی، می‌طلبد تا با تجدید نظر در روشها و بهره‌گیری از تجارب موفق کشورهای هم‌چون هندوستان، برمه، اندونزی، نیکاراگوئه و... تلاش نوینی در جهت زدودن این پدیده شوم از دامان میهن اسلامی به عمل آید. این امر خصوصاً با توجه به عوارض اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نامطلوب بیسوادی در جامعه، بایستی از اولویت ویژه‌ای در برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برخوردار بوده و به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شود تا با بسیج کلیه امکانات، حرکتی ضروری در این خصوص شکل گیرد.

تلاشهای بین‌المللی نیز اخیراً به طرز بی‌سابقه‌ای تشدید یافته و مجامع بین‌المللی در صددند که با مطرح نمودن بیسوادی به عنوان یکی از عوامل قطعی بازدارنده در پیشرفت و ترقی بشریت، دولت‌ها را متقاعد سازند تا با مضاعف نمودن فعالیتهای خود گامهای مؤثرتری در این جهت بردارند. بدین منظور یونسکو دهه ۱۹۸۸-۱۹۹۷ را به عنوان 'دهه توسعه فرهنگی'^۱ اعلام داشت و برخورد جدی با معضل بیسوادی را به عنوان یکی از برنامه‌های کلیدی جامعه بین‌المللی در این برهه عنوان کرد. به علاوه سازمان ملل متحد، سال ۱۹۹۰ میلادی را سال بین‌المللی سوادآموزی نام نهاد. در ماههای آغازین همین سال (پنجم تا نهم مارس) کنفرانس جهانی آموزش برای همه^۲ برگزار خواهد شد که به همت چهار ژانسیون بین‌المللی که عبارتند از یونسکو، یونیسف، بانک جهانی و دفتر عمران ملل متحد، سازماندهی شده است. هدف از این کنفرانس نیز بحث و تبادل نظر در خصوص اعلامیه جهانی آموزش و پرورش برای همه و همچنین تصویب برنامه اقداماتی است

که باید در سطوح کنسوری، منطقه‌ای و بین‌المللی در طی دهه ۱۹۹۰ به عمل آید تا نسل آینده چشمان خود را به روی دنیایی بگشاید که دیگر در آن بیسوادی به عنوان یک معضل حاد مطرح نباشد.

پیش از تشکیل کنفرانس جهانی و به منظور ایجاد تفاهم و وحدت نظر بیشتر در میان کشورهای مختلف جهان، ۹ کنفرانس منطقه‌ای در سراسر دنیا تشکیل شد که جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس منطقه‌ای آسیای مرکزی و جنوبی (داکا، ۲۰-۱۸ آذرماه ۱۳۶۸) شرکت جست. از نکات قابل توجه اینکه در کنفرانس مذکور پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ضرورت کاهش درصدی از بودجه‌های نظامی کشورهای دنیا و اختصاص آن به امر سوادآموزی و تعلیم و تربیت، مورد تأیید قرار گرفت و در اسناد کنفرانس منطقه‌ای و متعاقباً در اسناد کنفرانس جهانی منظور گردید و به تصویب رسید.

ارائه چنین پیشنهادی مبتنی بر درک صحیحی است از بحران اقتصادی حاکم بر کشورهای در حال توسعه که بخش عظیمی از بیسوادان دنیا در آن سکنی دارند. علت اصلی این بحران را باید در سیاستهای استعمارگرانه و مخرب قدرتهای بزرگ جهانی و به ویژه در ایجاد جو رعب و وحشت و تشنج در دنیا جستجو کرد که سیاستمداران وابسته و بسی‌اراده این کشورها را مسجور ساخته است. منابع هنگفتی از سرمایه‌های مردم مستضعف خود را صرف دفاع از سرزمین و مقابله با دشمنان داخلی و خارجی نموده و بدین ترتیب ضمن تهی ساختن کشور از سرمایه‌هایی که باید در جهت رشد و شکوفایی اقتصادی، اجتماعی به کار گرفته شود، موجبات عقب افتادگی هرچه بیشتر خود را فراهم آورند. جالب است بدانیم که متأسفانه از آسیب‌پذیرترین بودجه‌های اینگونه کشورها، بودجه بخش آموزش و پرورش آنهاست که همواره از خود، استعداد ویژه‌ای جهت پاسخگویی به درخواست افزایش اعتبارات نظامی - دفاعی نشان داده است. لذا شاهدیم که هزینه‌های دفاعی - نظامی کشورهای در حال توسعه با پرخورداری از رشدی معادل هفتصد درصد نسبت به سال ۱۹۶۰ مبلغی معادل ۲۰۰ میلیارد دلار از سرمایه ملت‌ها را می‌بلعد، در حالی که در همین فاصله زمانی یعنی ۱۹۸۹ - ۱۹۶۰ هزینه‌های مربوط به آموزش و پرورش در این کشورها با افت چشمگیری مواجه بوده است. تحقیقات به عمل آمده حاکی از آنست که امروزه کشورهای جهان به طور متوسط سالانه

رقمی معادل ۲۰۰۰۰ دلار جهت نگهداری از یک سرباز در پادگان هزینه می‌کنند در حالی که هزینه آموزش و پرورش یک کودک از رقم ۳۵۰ دلار در سال تجاوز نمی‌نماید.

از سوی دیگر، چنانچه کشورهای توسعه یافته نیز حقیقتاً تعاملی به مقابله جدی با بدیده ضدانسانی و ضد تکاملی بیسواد داشته باشند، با اجرای چنین پیشنهادهای خواهند توانست نقش به سزایی در این زمینه ایفا نمایند. چرا که طبق آمارهای موجود در شرایط کنونی هزینه‌های نظامی تنها ۳ روز کشورهای توسعه یافته، معادل هزینه‌ای است که طی یک سال در ۴۲ کشور آفریقائی با جمعیتی برابر ۲۴۲ میلیون نفر صرف آموزش و پرورش می‌گردد. به علاوه طبق برآوردهای بعمل آمده اجرای برنامه‌های ناظر به تصمیم آموزش و پرورش ابتدائی و ریشه کنی بیسوادی در دنیا سالانه هزینه‌ای معادل ۵ الی ۶ میلیارد دلار در بر خواهد داشت که این رقم مخارج نظامی تنها ۲ روز کشورهای توسعه یافته را تشکیل می‌دهد.

این واقعیات تکان دهنده همگی حاکی از حکیمانانه بودن پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران و ضرورت بکار بستن آن به عنوان یک طریق عینی و عملی در جهت مبارزه جدی با بیسوادی در دهه‌ای است که فضای بین‌المللی نیز بیش از هر زمان دیگر مستعد چنین اقدامی می‌باشد.

امید است مراجع دست اندر کار امر مبارزه با بیسوادی بتوانند همگام با حرکت نوین جهانی، با اتخاذ تدابیر تازه در جهت زدودن سنگ بیسوادی از دامان نظام جمهوری اسلامی ایران با توفیق قرین گردند. در این راستا توجه به نقش سازنده‌ی مؤسسه بین‌المللی روشهای سوادآموزی متأسفانه فعالیتهای آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رکود گراییده است، از جمله ضروریات انکارناپذیر می‌باشد.

سردبیر

1) Functional Literacy

1) Cultural Development Decade

2) World Conference on Education For All (WCEFA)